



# مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰  
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.34434>



مقاله پژوهشی

## درآمدی بر کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در حوزه جرائم زیست‌محیطی؛ گامی به سوی تغییر لنزها در جهت پیشگیری و ترمیم ضررهای زیستی

امیر فلک‌الدین<sup>۱</sup>، مسعود قاسمی<sup>۲\*</sup>، یزدان نصرتی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** با توجه به افزایش روزافزون جرائم زیست‌محیطی و عدم توفیق عدالت کیفری در دستیابی به سزادهی و بازدارندگی از طریق ابزار مجازات، لزوم توجه به پیشگیری و ترمیم ضررهای زیستی، دوچندان می‌گردد. از همین رو شاهد تغییر لنزها به سمت عدالت ترمیمی هستیم. در این میان، ضررها و جرائم علیه محیط زیست، از جهت قربانیان گسترده خویش، نیاز مبرمی به عدالت ترمیمی دارد. در حقوق کیفری ایران، قوانین متعددی در زمینه حمایت از محیط زیست به تصویب رسیده که دارای رویکردهای ترمیمی هستند، اما از جهت نوپابودن بحث عدالت ترمیمی نسبت به عدالت کیفری، چالش‌هایی در این زمینه به چشم می‌خورد که هدف اصلی این پژوهش، شناخت جلوه‌ها و بایسته‌های این حوزه است.

**مواد و روش‌ها:** در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، مقرره‌های ترمیمی راجع به جرائم زیست‌محیطی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

**ملاحظات اخلاقی:** موازین مربوط به اخلاق در پژوهش و امانتداری در ارجاعات پژوهش رعایت گردیده است.

**یافته‌ها:** در این پژوهش، این یافته حاصل شده است که در بستر قوانین مختلف، شیوه‌هایی از عدالت ترمیمی وجود دارد که در خصوص ضررهای زیستی نیز قابلیت تحقق دارند.

**نتیجه‌گیری:** در خصوص جبران ضررها و خسارات جرائم زیست‌محیطی در قوانین مختلف مقرره‌هایی دیده می‌شود. اولین مقررره در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشاهده می‌گردد که برای نخستین‌بار صدور قرارهای ترمیمی در برخی از موارد، الزامی است. در جهت پیشگیری از ضررهای زیستی و ترمیم محیط زیست، مهم‌ترین راهکار، اعاده وضع به حالت سابق است که احیا و ترمیم در این راهکار نقش اساسی را ایفا می‌نماید، اما از آنجایی که اعاده در برخی از جرائم زیست‌محیطی امکان‌پذیر نیست، راهکارهای دیگری نیز وجود دارد؛ راهکار دوم، عبارت است از پرداخت توسط آلوده‌ساز و در نهایت راهکار پایانی، جبران خسارات زیست‌محیطی از طریق صندوق دولتی است که البته تمامی این اصول و راهکارها با چالش‌هایی مواجه است.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

### واژگان کلیدی:

عدالت ترمیمی  
اصل پیشگیری از ضرر زیستی  
جرائم زیست‌محیطی  
پرداخت توسط آلوده‌ساز  
اعاده وضع به حالت سابق

\* نویسنده مسؤل: مسعود قاسمی

آدرس پستی: ایران، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق.

کد پستی: ۶۷۱۸۹۷۵۵۱

پست الکترونیک:

[md.ghasemi@iauaksh.ac.ir](mailto:md.ghasemi@iauaksh.ac.ir)

## ۱. مقدمه

حق برخورداری از محیط زیست ایمن، به عنوان یک حق بنیادین بشری مطرح و در اسناد بین‌المللی مختلف انعکاس یافته است. حق بر محیط زیست سالم، به دنبال اقتضات زندگی مدرن در نسل سوم حقوق بشر مطرح شد که در واقع، این حق را در زمره یکی از مصادیق حقوق جمعی و حقوق همبستگی معرفی نمود (۱). در حقوق فرانسه نیز شناسایی این حق و جرم‌انگاری‌های حمایتی در جهت تضمین این حق، اگرچه نسبت به سایر کشورها دیر هنگام بود (۲)، اما با تصویب منشور اساسی محیط زیست چهره حقوقی فرانسه متحول شد (۳). در حقوق ایران نیز حق بر محیط زیست سالم، در عالی‌ترین سند حقوقی کشور، یعنی قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. به موجب اصل پنجاهم قانون اساسی «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد...». این اصل در نوع خود کم‌نظیر است، چراکه مفاد آن در عین مختصر بودن، چارچوب کلی نظام حفاظتی را تبیین می‌نماید (۴).

امروزه، عدالت ترمیمی و کاربرد آن در جرائم زیست‌محیطی دارای اهمیت فراوانی است، چراکه ترمیم محیط زیست همواره به عنوان دغدغه‌های اصلی حقوقدانان محیط زیست، مطرح بوده است و در سطح جهانی نیز، اصول ترمیمی مختلفی در حقوق بین‌الملل محیط زیست مطرح شده که باعث تحقق اخلاق زیستی از جهت پیشگیری و ترمیم محیط زیست می‌گردد (۵). چه این که اخلاق زیستی، سلامت و خوب زیستی انسان را به ارمغان می‌آورد (۶). در بخشی از اصل ده اعلامیه ریو در خصوص ترمیم و جبران خسارات زیست‌محیطی آمده است: «دستیاری و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری متخصص، از جمله مجازات و جبران خسارت بایستی تضمین شود.» این مقرر نشان می‌دهد که دسترسی به عدالت قضایی در سه مرحله قابل

مشاهده و نیازمند توجه است: مرحله ابتدایی همان دسترسی به مراجع تخصصی و افتراقی جرائم زیست‌محیطی؛ مرحله میانی همان دسترسی به فرآیندی که عادلانه و مؤثر باشد؛ مرحله نهایی که همان دسترسی به لوازم اجرایی و جبران خسارت‌هایی که تصمیم دادگاه را تأمین نماید و جهت پیشگیری و جبران صدمات محیط زیست قابل پذیرش باشد (۷).

از یکسو، از آنجایی که در جرائم زیست‌محیطی، ضرر در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای، جهانی و فراملی قابل فرض است، ممکن است افراد زیادی بزه‌دیده واقع شوند، بدون اینکه بیشتر بزه‌دیدگان از بزه‌دیدگی خود مطلع شوند؛ از سوی دیگر، اکثر جرائم زیست‌محیطی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و همین امر خود موجب مطرح شدن جرم زیست‌محیطی فراملی می‌گردد و مهم‌تر اینکه، بسیاری از بزه‌کاران زیست‌محیطی، از ماهیتی دولتی برخوردار هستند (۸). در حقوق بین‌الملل محیط زیست یکسری اصول، به رسمیت شناخته شده که به موجب این اصول مهم، ترمیم و جبران خسارت توسط دولتی که خسارت زده و محیط زیست را تخریب یا آلوده نموده، صورت می‌پذیرد.

بزه‌دیدگان جرائم زیست‌محیطی نیز امروزه فقط انسان نیستند، بلکه مطابق با یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی سبز، طبیعت نیز بزه‌دیده اصلی در جرائم زیست‌محیطی به شمار می‌رود (۹). همین دغدغه‌های زیست‌محیطی کنشگران جامعه بین‌المللی علی‌الخصوص دولت‌ها و سازمان ملل متحد، باعث پیدایش این اصول اساسی حفاظت زیست‌محیطی شدند. این اصول در حقوق بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته و در حقوق داخلی کشورها، به صورت صریح (مثل کشور فرانسه در قانون محیط زیست و قانون منشور حقوق محیط زیست مصوب ۲۰۰۵) یا به صورت ضمنی و موردی در برخی از جرائم زیست‌محیطی (مثل کشور ایران) مورد شناسایی قرار گرفته است. شناسایی این اصول در نظام حقوقی داخلی، دارای

نیاز از منابع مربوطه جمع‌آوری و فیش‌برداری گردید و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

#### ۴. یافته‌ها

امروزه، عدالت ترمیمی نقش به‌سزایی در بستر دادرسی کیفری داشته است که در جرائم زیست‌محیطی نیز، این مهم در دادگاه‌های حل مسأله در کشورهای اروپایی مورد توجه جدی قرار گرفته است (۷). از این رو در این قسمت به بررسی امکان‌سنجی تلطیفی و ترمیمی شدن جرائم زیست‌محیطی در بستر دادرسی کیفری ایران پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱. موقعیت داشتن تعقیب نسبت به جرائم زیست

**محیطی:** اعمال دقیق و مستمر قاعده الزامی بودن تعقیب همواره فایده اجتماعی ندارد. در برخی از جرائم نه فقط بر تعقیب متهم، اثر سودمندی مترتب نیست، بلکه اتخاذ یک سیاست جنایی کارساز ایجاب می‌کند که مسؤولان قضایی، طی شرایطی به طور موقت از تعقیب برخی متهمان اجتناب ورزند (۱۰). موقعیت داشتن تعقیب نسبت به جرائم زیست محیطی را می‌توان در قالب موادی جداگانه در قانون آیین دادرسی کیفری مورد بررسی قرار داد که به شرح تفصیلی هر یک از این موارد می‌پردازیم.

۴-۱-۱. خودداری از تعقیب: مقنن، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصل خودداری از تعقیب را مورد شناسایی قرار داده و در قالب ماده ۸۰، به مقام قضایی این اختیار را داده که در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت حصول شرایط مذکور در ماده، برای یک بار از تعقیب متهم خودداری نموده و قرار بایگانی پرونده را صادر نماید. ذکر نکاتی در خصوص این ماده و صدق آن در خصوص جرائم زیست‌محیطی، ضروری به نظر می‌رسد: اول اینکه، از قید «چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد»، این نتیجه حاصل می‌شود که صدور این قرار فقط در جرائم غیر قابل گذشت امکان‌پذیر است، چراکه در جرائم قابل گذشت،

فواید متعددی است، از جمله اینکه با ملی و داخلی شدن این اصول بنیادین، قضات دیگر مجبور نیستند که به قواعد سنتی مسؤولیت مدنی رجوع کرده و خود را درگیر اثبات رابطه سببیت نمایند (۱)، چراکه در حقوق بین‌الملل محیط زیست، جبران خسارات زیست محیطی مبتنی بر مسؤولیت محض است، در حالی که در نظام حقوقی ایران، جبران خسارات زیست محیطی مبتنی بر نظریه تقصیر می‌باشد.

نظر به مباحث فوق، این تحقیق به پرسش‌های ذیل پاسخ خواهد داد:

- در قوانین ایران چه بسترهای ترمیمی در جهت جبران خسارت و ترمیم محیط زیست وجود دارد؟

- آیا روش‌های اجرای عدالت ترمیمی در ضررها و جرائم زیست‌محیطی قابلیت اجرایی دارند؟

فرضیه این است که در نظام حقوقی ایران به مناسبت، در قوانین مختلف کیفری و قوانین خاص راجع به جرائم زیست‌محیطی، جلوه‌هایی از عدالت ترمیمی دیده می‌شود که البته با چالش‌هایی مواجه است. این پژوهش به بررسی این چالش‌ها و ارائه راهکارهایی مناسب در این زمینه نیز می‌پردازد.

#### ۲. ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش، موازین مربوط به اخلاق در پژوهش و امانتداری در ارجاع‌دهی به منابع به صورت کامل رعایت گردیده است.

#### ۳. مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر از نوع نظری است و به روش توصیفی - تحلیلی انجام یافته است و در آن با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در حوزه جرائم زیست‌محیطی پرداخته شده است. بر این اساس اطلاعات مورد

اگر شاکی گذشت کند، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. جرائم علیه محیط زیست نیز مطابق با تصریح مقنن در ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی، غیر قابل گذشت محسوب می‌شوند، مگر مواردی که تصریحاً در ماده ۱۰۴ قانون مذکور، قابل گذشت بیان شده‌اند. از این رو صدور این قرار در خصوص جرائم علیه محیط زیست غیر قابل گذشت در صورت حصول سایر شرایط ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری، امری امکان‌پذیر است؛ نکته دوم اینکه، علیرغم تصریح ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری، وجود قانونی خاص در خصوص جرائم علیه محیط زیست در این زمینه به چشم می‌خورد که بررسی آن ضروری است. یکی از جرائم علیه محیط زیست که این اصل را در خصوص آن جاری ساخته‌اند، جرائم سبکی است که در قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع آمده است: ماده ۵۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مقرر داشته است: «رییس سازمان جنگلبانی یا نمایندگانی که از طرف نامبرده به موجب حکم کتبی تعیین می‌شوند، مجازند نسبت به جرائمی که طبق مفاد این قانون جنحه باشد، به استثنای موارد مذکور در ماده ۴۹ و تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۵۲ با وصول جرائم و خسارات از تعقیب جزائی متهم فقط برای یک‌مرتبه صرف نظر کنند و تعقیب مرتکب منوط به شکایت رییس یا نماینده سازمان مزبور است.»

به موجب ماده فوق‌الذکر، اختیار صرف نظر کردن از تعقیب به رییس سازمان جنگلبانی یا نمایندگانی که از طرف وی به موجب حکم کتبی تعیین می‌شوند، سپرده شده است که این خلاف اصول آیین دادرسی کیفری است. اصل اقتضا یا موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب در برخی از جرائم، تحت شرایط خاص قانونی، اختیار صرف نظر کردن از تعقیب متهم را به مقام قضایی واگذار می‌نماید نه به هر شخصی. به نظر می‌رسد با طرح دلایلی بتوان ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری را به عنوان مقررهای عام در نظر گرفت و ماده ۵۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع را مجرا ندانست: دلیل اول

اینکه قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان آخرین اراده قانونگذار در این زمینه، برخی از شرایط را برشمرده که در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع طرح نگردیده است؛ به موجب قانون آیین دادرسی کیفری، این حق مقام قضایی است که از تعقیب متهم صرف نظر نماید، در حالی که در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع نه تنها رییس سازمان جنگلبانی، بلکه نمایندگانی که از سوی وی دارای حکم کتبی هستند، می‌توانند از تعقیب متهم صرف نظر نمایند. از سوی دیگر، توجه قانونگذار به بحث سابقه محکومیت مؤثر کیفری، نشان‌دهنده این نکته است که مقام قضایی نباید از تعقیب متهمی که دارای سابقه محکومیت مؤثر کیفری است، صرف نظر نماید، ضمناً به موجب ماده اخیرالذکر، خودداری از تعقیب متهم در قالب قرار صادر می‌شود و ظرف ده روز قابل اعتراض است. بنابراین واگذار کردن امر تعقیب به اشخاصی غیر قضایی پسندیده نیست و آخرین اراده قانونگذار بیانگر این مهم است.

۴-۱-۲. تعلیق تعقیب با دستورات ترمیمی: موضوع ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری «تعلیق تعقیب» است که در راستای اصل «موقعیت داشتن تعقیب» به عنوان یکی از جایگزین‌های تعقیب کیفری در اختیار دادستان قرار دارد تا چنانچه، عواقب سوءمحکومیت متهم را بیشتر از منافع آن برای جامعه بدانند، دعوای عمومی را به حالت تعلیق درآورد تا اگر در این مدت مرتکب جرمی نشود، از تعقیب وی برای آن جرم صرف نظر کند. شاید در بادی امر، این سؤال به ذهن متبادر شود که کدام یک از مؤلفه‌های عدالت ترمیمی در این مورد مطرح است که ما تعلیق تعقیب را در اینجا مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و آن را در سنجه جرائم زیست‌محیطی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. در پاسخ باید این‌گونه عنوان داشت که تعلیق تعقیب مطرح‌شده در ماده فوق‌الذکر نوعی تعلیق مراقبتی است و همراه با انجام تکالیفی توسط متهم است. در واقع خدمات اجتماعی که یکی از روش‌های اجرای عدالت

ترمیمی است در این مدت از سوی مرتکب صورت می‌پذیرد و او برای ترمیم محیط زیست در آینده آماده می‌گردد. مطابق با بند «ج» این ماده، مرتکب در مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه زیست‌محیطی می‌تواند با تکلیف‌نمودن از سوی دادستان به خدمت اجتماعی بپردازد و ویژگی مهم این تکلیف‌نمودن برخلاف مجازات‌های جایگزین حبس در این است که در مجازات جایگزین حبس، وی مجرم قلمداد می‌شود و خدمت عمومی رایگان را مجازات اجتماعی می‌داند، در حالی که در این مورد، شخص مرتکب خود را فقط مرتکب و متهم می‌داند و با طیب خاطر بیشتری به انجام تکالیف مندرج در تعلیق مراقبتی مبادرت می‌ورزد. یکی دیگر از بندهای مطرح‌شده در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، بند «چ» می‌باشد که شرکت در کلاس‌ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین را مطرح نموده است و در خصوص حفاظت از محیط زیست، شرکت در این کلاس‌ها دارای جایگاه ارزنده‌ای در ترویج حفاظت از محیط زیست است.

البته ناگفته نماند که برای شمول این ماده در خصوص مرتکبان جرائم زیست‌محیطی، جرم زیست‌محیطی باید درجه شش، هفت و هشت باشد و مجازات آن‌ها قابل تعلیق باشد. بنابراین مطابق با بند «ب» ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، اگر جرم زیست‌محیطی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب پیدا کند، مجازات آن‌ها قابل تعلیق نیست و دادستان نمی‌تواند در خصوص این دسته از متهمان زیست‌محیطی، تعقیب آن‌ها را معلق کند.

۲-۴. **میانجی‌گری ترمیمی:** فرآیند میانجی‌گری از نخستین برنامه‌های عدالت ترمیمی و حتی گسترده‌ترین آن‌هاست (۱۱). مطابق ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مقام قضایی این اختیار را دارد که در تمامی جرائم درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه به متهم مهلت بدهد تا برای تحصیل گذشت

شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. ذکر چند نکته در این خصوص، ضروری است: اول اینکه، همانطور که در سطور فوق اشاره شد، جرائم زیست‌محیطی سازمان‌یافته به دلیل اینکه مجازاتشان قابل تعلیق نیست، مشمول این ماده نیستند؛ دوم اینکه در بسیاری از جرائم زیست‌محیطی، شاکی یا مدعی خصوصی به صراحت نام برده شده است، سازمان حفاظت محیط زیست در دعاوی مربوط به جرائم زیست‌محیطی به عنوان شاکی، خواهان و مدعی خصوصی تلقی می‌شود. ماده ۱۸ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ مقرر داشته است: «در مورد جرائم مذکور در این قانون سازمان از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود.»

ماده ۱۴ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ مقرر می‌دارد: «در مورد جرائم مذکور در این قانون سازمان حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود.» منظور از سازمان در مواد مطروحه، سازمان حفاظت محیط زیست است. علاوه بر سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان‌ها و نهادهای دیگری نیز در قلمرو وظایف خود پیگیر امور مربوط به محیط زیست هستند و بر این اساس می‌توانند در خصوص جرائم سبز به عنوان شاکی و یا خواهان محسوب شوند. از شهرداری‌ها، سازمان شیلات ایران، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور می‌توان به عنوان سازمان‌هایی که مجاز به طرح دعوی در جرائم زیست‌محیطی هستند، یاد کرد.

همانطور که اشاره شد، در برخی از قوانین زیست‌محیطی برخی از سازمان‌ها همچون سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان یک نهاد شاکی معرفی شده است، اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا منظور مقنن از نهاد شاکی این است که سازمان‌های مزبور فقط جرم را کشف و اعلام می‌کنند یا اینکه این سازمان‌ها حق گذشت و اعلام رضایت دارند؟ با توجه به تصریح در مواد قانونی فوق‌الذکر، سازمان‌های مزبور فراتر از یک کاشف و اعلام‌کننده جرم

۳-۴. **قرار ترمیمی پیشگیرانه:** در حقوق ایران اتخاذ تصمیم یا دستور موقت (دادرسی فوری) به منظور متوقف نمودن روند ارتکاب اعمالی که ادعای مجرمانه بودن آنان مطرح است به دو صورت خاص و عام پیش‌بینی شده است. شکل خاص آن ماده ۶۹۰ قانون مجازات ۷۵ است که مقرر می‌دارد: «هر کس به وسیله صحنه‌سازی از قبیل پی‌کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت‌بندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زارعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت‌شده یا در آیش زراعی، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، کوهستان، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه‌سارها، انهار طبیعی و پارک‌های ملی، تأسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکت‌های وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذی‌حق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذی‌صلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید، به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید؛ نوع دوم که عام است ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری است. تأسیس حقوقی این ماده تدبیری پیشگیرانه برای جلوگیری از ارتکاب و تداوم رفتار مجرمانه سبز است که می‌توان از آن تحت عنوان «عدالت پیشگیرانه، مهار جرم در بستر نظام حقوقی» نام برد (۱۲).

با توجه به نقشی که فعالیت‌های بازرگانی، تولیدی، خدماتی و کشاورزی در پیشبرد امور کشور و گذران زندگی مردم دارد،

معرفی شده‌اند و گویا این سازمان‌ها کاشف، اعلام‌کننده و شاکی هستند. بنابراین با موافقت این نهادها به عنوان مدعی خصوصی و درخواست متهم و سایر شرایط مطرح‌شده در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، می‌توان جبران خسارت زیست‌محیطی را از سوی مرتکب انتظار داشت، چراکه مقنن در ماده اخیرالذکر در مهلت دو ماهه به جبران خسارت ناشی از جرم اشاره نموده است که در جرائم زیست‌محیطی، نوعی ملزم‌نمودن شخص به ترمیم و جبران خسارت زیست‌محیطی است.

از سوی دیگر، در خصوص برخی از جرائم زیست‌محیطی، بهترین شیوه برگزاری میانجی‌گری است و نباید نبود بزه‌دیده‌ای معین یا قابل رویت، ما را از این شیوه مهم عدالت ترمیمی دور کند. به عنوان مثال در جرائم علیه حیات وحش، جرمی که ارتکاب یافته است، بزه‌دیده‌ای که بتوان رضایت او را گرفت وجود ندارد، اما از طرف دیگر باید به این نکته نیز توجه داشت که سازوکارهای سیستم عدالت کیفری سنتی همچون حبس و... نتوانسته‌اند از ارتکاب این دسته از جرائم پیشگیری به عمل آورند و جلوی تکرار جرم را که هزینه‌های مجددی به دستگاه عدالت کیفری تحمیل می‌کند، بگیرند. از این رو در اینجا می‌توان بین بزه‌کاران حیات وحش و نمایندگان جامعه (همانند سازمان حفاظت محیط زیست و...) میانجی‌گری سمن‌های سبز را در نظر گرفت. با این نشست و گفتگوهای ترمیمی می‌توان گام مثبتی را در جهت مسؤوّل‌پذیر کردن بزه‌کاران زیست‌محیطی برداشت. مطابق با ماده ۱ آیین‌نامه میانجی‌گری مصوب ۱۳۹۵، فرآیند میانجی‌گری با حضور بزه‌دیده و متهم و میانجی‌گر ممکن دانسته شده است. در جرائم زیست‌محیطی، همانطور که در بزه‌دیده‌شناسی سبز نیز عنوان شده است، خود سازمان حفاظت از محیط زیست می‌تواند بزه‌دیده تلقی شود (۹). از این رو دغدغه بدون بزه‌دیده پنداشتن جرائم زیست‌محیطی منتفی است.

جلوگیری از این فعالیت‌ها باید تحت شرایط خاص انجام شود. اگر عمل مجرمانه ارتباط مستقیمی با این فعالیت‌ها داشته باشد، از باب اقدام تأمینی، توقف فعالیت آن‌ها موجه است. بر همین اساس ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، اصل را بر ممنوعیت جلوگیری از این فعالیت‌ها بنا نهاده است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون موقتی اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۱، مقررات خاصی پیرامون این موضوع وضع نشده بود. تصمیم بازپرس در اجرای این بخش از ماده، یعنی توقف فعالیت واحدهای مورد بحث، باید در قالب «تصمیم بازپرس» صادر شود. این تصمیم همانند قرارهای قابل اعتراض در مهلت مقرر در ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، یعنی پنج روز پس از ابلاغ، وفق ماده ۲۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد، قابل اعتراض است، چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادسرا تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی به اعتراض موضوع ماده ۱۱۴ است.

پیش‌بینی این قرار، گامی مثبت در جهت به رسمیت شناختن برخی از اصول بنیادین حقوق محیط زیست است. در جرائم زیست‌محیطی، ضرر در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای، جهانی و فراملی قابل فرض است. جرائم زیست‌محیطی ممکن است افراد زیادی را بزه‌دیده قرار دهد، بدون اینکه بیشتر بزه‌دیدگان از بزه‌دیدگی خود مطلع شوند. اکثر جرائم زیست‌محیطی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و همین امر خود موجب مطرح‌شدن جرم زیست‌محیطی فراملی می‌گردد. در حقوق بین‌الملل محیط زیست یکسری اصول، به رسمیت شناخته شده که به موجب آن اصول، ترمیم و جبران خسارت توسط دولتی که خسارت زده و محیط زیست را تخریب یا آلوده نموده، صورت می‌پذیرد، البته در خصوص تحقق خسارات زیست‌محیطی فرامرزی است که تعهد دولت‌ها به انجام این اصول مطرح می‌شود و در جایی که خسارت‌ها

بعد ملی به خود می‌گیرد و جنبه فرامرزی پیدا نمی‌کند، موضوع بحث ما است. همانطور که پیشتر گفته شد، همین دغدغه‌های زیست‌محیطی کنشگران جامعه بین‌المللی علی‌الخصوص دولت‌ها و سازمان ملل متحد، باعث پیدایش این اصول اساسی حفاظت زیست‌محیطی شدند. این اصول در حقوق بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته و در حقوق داخلی کشورها صراحتاً (مثل کشور فرانسه در قانون محیط زیست و قانون منشور حقوق محیط زیست مصوب ۲۰۰۵) یا به صورت ضمنی و موردی در برخی از جرائم زیست‌محیطی (مثل کشور ایران) مورد شناسایی قرار گرفته است. شناسایی این اصول در نظام حقوقی داخلی، دارای فواید متعددی است، از جمله اینکه، با ملی و داخلی‌شدن این اصول بنیادین، قضات دیگر مجبور نیستند که به قواعد سنتی مسؤولیت مدنی رجوع کرده و خود را درگیر اثبات رابطه سببیت نمایند (۱)، البته لازم به ذکر است که در نظام حقوقی فرانسه علاوه بر اینکه این اصول بنیادین در منشور محیط زیست مطرح‌شده در قوانین فرانسه نیز منعکس شده است.

پیش‌بینی چنین قرار تمهیدی در قانون آیین دادرسی کیفری، در راستای تحقق اصل حفاظت از محیط زیست و اصل پیشگیری است. مطابق اصل عام و قدیمی حفاظت از محیط زیست، ضروری است به منظور جلوگیری از ورود خسارت به محیط زیست، کلیه اقدامات لازم انجام شود. این اصل امروزه، در هر قانون محیط زیست وجود دارد (۱۳). قانون اساسی ایران، حاوی اصولی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به حفاظت از محیط زیست مربوط می‌شود یا برای حفاظت از آن قابل استفاده و استناد می‌باشد. اصل حفاظت از محیط زیست که دارای اجزای مختلفی همچون حفاظت هوا از آلودگی، حفاظت جنگل‌ها، باغ‌ها و... است در آرای دیوان عدالت اداری نیز مطرح شده است. دیوان در رأی صادره در سال ۱۳۸۲ در خصوص کمیسیون ماده ۵ شهرسازی، حفظ باغ‌ها را به عنوان سرمایه‌ها و منابع ملی و حیاتی و منابع

تجدیدشونده شناسایی کرده است (۱۴). همچنین در رأی هیأت عمومی دیوان به شماره ۶۱ و ۶۲ صادره در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۳۰ در قضیه ممنوعیت نصب کیت، بر لزوم حفاظت هوا از آلودگی‌ها تأکید نموده است.

یکی دیگر از اصول بنیادین حقوق محیط زیست، اصل پیشگیری است. در حقوق بین‌الملل محیط زیست یک تعهد اساسی پیش‌بینی شده که پیشگیری همیشه سهل‌تر از جبران خسارت است، مخصوصاً جایی که آلودگی مطرح است. این اصل در حقوق بین‌الملل محیط زیست، مقرر می‌دارد که فعالیت‌های تجاری کشورها در حوزه‌های خصوصی، دولتی و فراملی یا چندملیتی نباید موجب ورود خسارت به محیط زیست شود.

قاعده پیشگیری در ارتباط با محیط زیست و جنبه‌های پیشگیرانه آن برجستگی بیشتری دارد، چراکه در پاره‌ای از خسارات محیط زیستی در صورت وقوع، امکان اعاده وضعیت به حالت سابق وجود ندارد، مثلاً به سختی می‌توان نسبت به احیای مرجان‌های دریایی اقدام نمود. این اصل در قوانین عادی فرانسه وجود داشت و در ماده ۱-۲۲۱ کد محیط زیست پیش‌بینی شده بود، اما در یک مرحله گسترده‌تری وارد منشور حقوق محیط زیست شد. این اصل بر لزوم پیشگیری تأکید دارد که در ماده ۳ منشور محیط زیست مطرح شده است: «هر شخصی موظف است در چارچوب تعیین‌شده توسط قانون از آسیب‌هایی که زمینه‌ساز ورود خسارت به محیط زیست می‌شوند، پیشگیری و آثار آن را محدود نماید». البته لازم به ذکر است که این اصل پیشگیری برای متصدیان که در محیط زیست دارای سمتی هستند نیز کارساز است، چراکه بازدارنده‌هایی مانند مجازات و جبران خسارت باعث می‌شود متصدیان برای اجتناب از هزینه‌های فزاینده در رفتار خود مراقبت بیشتری کنند و در نتیجه از بروز آلودگی پیشگیری می‌شود.

در حقوق ایران، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ در ماده ۱ در خصوص پیشگیری مقرر می‌دارد: «حفاظت و بهبود و بهسازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود همچنین کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و آبزیان آب‌های داخلی از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست است.» در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ با آخرین اصلاحات ۱۳۹۶ نیز به مناسبت به اخذ تدابیر پیشگیرانه توجه شده است. مطابق ماده ۴۹ «استفاده از کوره زغال موجود یا احداث کوره زغال جدید در جنگل یا مجاور آن، مستلزم داشتن پروانه از سازمان جنگلبانی است.» یکی دیگر از اقدامات پیشگیرانه در این قانون، تشکیل گارد جنگل است. قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ در ماده ۴۶ بیان می‌دارد که سازمان حفاظت از محیط زیست به منظور پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب، ضوابط و مقررات مربوط به جلوگیری از آلودگی آب را تدوین نماید.

البته ناگفته نماند که امروزه ارزیابی اثرات زیست‌محیطی به یکی از پیش‌نیازهای شروع پروژه‌های سرمایه‌گذاری تبدیل شده است که مؤلفه‌ای مهم در پیشگیری از خسارات زیست‌محیطی است. بر اساس مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست مصوب ۱۳۹۰، مجریان پروژه‌های نام‌برده شده در این مصوبه موظف هستند، به همراه گزارش امکان‌سنجی و مکان‌یابی نسبت به تهیه گزارش ارزیابی اثرات زیست‌محیطی اقدام نمایند. پرواضح است که بسیاری از آلودگی‌های ایجاد شده در اثر فعالیت و پروژه‌های اجراشده توسط پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها و طرح‌های خطوط نفت و گاز است. ارزیابی اثرات زیست‌محیطی نقش پیشگیرانه‌ای در خسارت‌های زیست‌محیطی دارد. مطابق ماده ۷ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، تکلیف جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی، از جمله آلودگی هوا بر عهده وزارت نفت نهاده شد. مطابق این ماده:

«وزارت نفت مکلف است که در جریان عملیات نفتی، ضمن برنامه‌ریزی صحیح نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت از ذخایر نفتی و حفاظت از منابع و ثروت طبیعی و تأسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط زیست (هوا، آب، خاک) را با هماهنگی سازمان‌های ذی‌ربط به عمل آورد»، اما به یقین می‌توان گفت که این تعهد و تکلیف وزارت نفت به دلیل فقدان ضمانت اجرا نمی‌تواند کارآمد و مؤثر باشد. علیرغم اینکه قانون اصلاح نفت در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و ماده ۷ قانون فوق‌الذکر در قالب ماده ۴ اصلاح گردید و یک هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی پیش‌بینی شد که بایستی این هیأت گزارش سالانه‌ای تهیه و به مقام رهبری و مجلس شورای اسلامی بدهد (بند ۴ ماده ۴) و سیاست‌های راهبردی را مورد ارزیابی قرار دهد (بند ۲ ماده ۴)، اما به نظر می‌رسد باز هم با فقدان ضمانت اجرا مواجه هستیم. وجود یک ضمانت اجرای مناسب می‌تواند وزارت نفت را مکلف سازد تا با نظارت بر پروژه‌های نفتی، در جهت پیشگیری وضعی از جرائم حوزه صنعت نفت و گاز گام مؤثری بردارد.

برای آنکه پیشگیری از جرم مؤثر باشد و به منصفه ظهور برسد، باید سیاست‌ها و برنامه‌های موجود در این زمینه، بر اساس معیارها و موازین علمی، اتخاذ و اجرا شود. به این معنا که خواه در فرآیند سیاست‌گذاری و خواه در فرآیند اجرای برنامه‌ها و طرح‌های پیشگیرانه، باید ملاحظات و آموزه‌های علمی مورد توجه قرار گیرد. این امر در رابطه با پیشگیری از آسیب‌ها و جرائم زیست‌محیطی کاملاً مشهود است، چراکه عمده آثار مخرب بر محیط زیست ناشی از رشد تکنولوژی در حوزه‌های مختلف بوده که برای پیشگیری از ورود آسیب و ارتکاب جرم، معرفی تکنولوژی جایگزین یا استفاده از فناوری در جهت پیشگیری وضعی از ورود آسیب و ارتکاب جرائم زیست‌محیطی است. در این راستا است که امروزه صحبت از اقتصاد سبز به عنوان آموزه معرفی‌کننده راهکارهای اقتصادی

هماهنگ با محیط و حسابداری سبز در جهت پایش اقدامات شرکت‌های تجاری در تعامل با محیط زیست مطرح شده است. با توجه به اصول بنیادین حقوق محیط زیست و لزوم حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از تخریب و آلوده‌نمودن آن، مقنن، ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری را پیش‌بینی نموده تا تحت شرایطی از فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی، پیشگیری به عمل آورد. ناگفته نماند که اگر مرتکب جرائم زیست‌محیطی اشخاص حقوقی باشند، باید به ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ توجه نمود.

**۴-۴. نقش ترمیمی سمن‌های سبز (ماده ۶۶ قانون آ.د.ک):** نهادهای غیر دولتی یا دادستان‌های خصوصی می‌توانند از انحصارگرایی دولتی پیشگیری کنند و در منطقی‌نمودن سیاست‌ها ایفای نقش کنند. فلسفه نقش‌آفرینی این نهادها، حمایت از ارزش‌های اجتماعی و منافع عمومی و بزه‌دیدگان است. در راستای حمایت از بزه‌دیده و مشارکت‌دادن نهادهای مدنی در فرآیند کیفری، مقنن برای اعلام جرم، توجه خاصی به برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد نموده است. این سازمان‌ها، یعنی مؤسسات غیر دولتی غیرانتفاعی، وقتی که خود بزه‌دیده واقع می‌شوند، می‌توانند اقدام به شکایت کیفری نمایند. در غیر این صورت اعلام‌کننده جرم هستند، اما قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ جایگاه آنان را از یک اعلام‌کننده صرف به یک دنبال‌کننده فعال افزایش داده است. بدین ترتیب سازمان‌های مردم‌نهاد حق اعلام جرم (نه شکایت) حق معرفی نماینده جهت حضور در داسرا و دادگاه و دریافت احضارنامه و نیز حق ارائه دلیل را دارند؛ البته دو محدودیت برای دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد: اولاً حوزه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ماده ۶۶ حصری بوده و شامل سازمان‌های مردم‌نهاد دیگر (مثلاً فعال در زمینه حمایت از حیوانات) نمی‌شود که این یک ضعف جدی تلقی می‌شود، چراکه در جرائم علیه حیات وحش، سمن‌های سبز می‌توانند به عنوان نمایندگان جامعه و از طرف بزه‌دیده خاموش که

همان محیط زیست است، گام‌های مؤثری را در جهت ترمیم محیط زیست بردارند. شاید در ابتدای امر این مهم به ذهن متبادر شود که از ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نمی‌توان عدالت ترمیمی را استنباط نمود، در حالی که این سمن‌ها می‌توانند با برگزاری جلسات گروهی ترمیمی و حق داشتن اعتراض در مورد آرای جهتی حصول اطمینان از جبران خسارت و اعاده وضع به حالت سابق توسط مرتکب، گام‌های مؤثری را در جهت تحقق عدالت ترمیمی سبز ایفا نمایند. در این راستا، مقنن حق تشخیص سازمان‌های فعال در حوزه‌های مذکور را هم از مقامات قضایی سلب کرده بود و اسامی آن‌ها را محدود به فهرستی نموده بود که توسط قوای مجریه و قضاییه تهیه می‌شد. تبصره ۳ ماده ۶۶ مقرر می‌داشت: «اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد»، اما خوشبختانه بند «پ» ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ جایگزین تبصره ۳ ماده ۶۶ شده است؛ ثانیاً دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم دارای بزه‌دیده خاص منوط به موافقت او یا ولی یا قیم یا سرپرست قانونی اوست. لازم به ذکر است که منظور از بزه‌دیده خاص، بزه‌دیده معین یا قابل تعیین است و دلالتی بر انحصار این حکم به جرائم قابل گذشت ندارد (۱۵).

قانونگذار با مطرح نمودن بزه‌دیده خاص، یک ابهام جدی در ذهن ایجاد می‌کند و آن عبارت است از اینکه آیا بزه‌دیده عام نیز داریم؟ همانطور که به وضوح بیان شد، منظور از بزه‌دیده خاص، بزه‌دیده معین یا قابل تعیین است، اما برخی از جرائم دارای بزه‌دیده معین و قابل تعیینی نیستند. به نظر می‌رسد که محیط زیست، بزه‌دیده عام است. زمانی حقوقدانان کیفری، بر این باور بودند که جرائم علیه محیط زیست یکی از جرائم بدون بزه‌دیده است، در حالی که این‌گونه نیست، چراکه در

جرائم علیه محیط زیست، قربانی و بزه‌دیده اصلی خود محیط زیست است. به دیدگاه فوق که جرائم علیه محیط زیست را بدون قربانی می‌داند، این انتقاد جدی وارد است که اگر جرائم علیه محیط زیست بدون بزه‌دیده است، پس چرا در برخی از جرائم علیه محیط زیست مانند شکار غیر قانونی که بزه‌دیده‌ای ندارد، قانون جزا برای آن کیفر در نظر می‌گیرد و سعی در تعقیب و مجازات وی دارد؟ البته دیدگاه این دسته از نظریه پردازان را شاید بتوان این‌گونه توجیه نمود که در نظر این دسته، جرائم علیه محیط زیست بزه‌دیده خاص و معینی را نتوان فرض نمود، در حالی که با تعقلی حمایت‌مدار می‌توان به این نتیجه رسید که بزه‌دیده اصلی، خود محیط زیست است. به عبارت دیگر، امروزه بایستی پذیرفت که محیط زیست خود قربانی اصلی جرائم سبز است و نفس محیط زیست ارزش ذاتی دارد. در این فرض اخیر که قربانی و بزه‌دیده اصلی خود محیط زیست است، خسارتی مستقیم به اشخاص وارد نمی‌شود، اما محیط زیست قربانی اصلی است، مانند صید بی‌رویه و... اینجا جرم از مصادیق جرائم علیه منافع عمومی است و دادستان اقامه دعوا باید بکند، در حالی که در کشور ما وضع اینگونه نیست و دادستان‌ها توجه چندانی نشان نمی‌دهند. در اینجا است که نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دعاوی زیست‌محیطی باید تقویت شود.

زمانی که خسارت به محیط زیست وارد می‌شود، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی را به نمایندگی از جامعه باید بزه‌دیده انگاشت. در واقع نهادهای غیر دولتی نیز باید برای گرفتن جبران خسارت یا دریافت غرامت از اشخاصی که قوانین کیفری زیست‌محیطی را نقض کرده‌اند، حق طرح دعوا داشته باشند (۱۶). به هر صورت، ماده ۶۶ باز هم به اصلاحاتی نیاز دارد و امید است که این اصلاحات با توجه به افزایش مشارکت این دسته از شهروندان باشد. سازمان‌های غیر دولتی یا سمن‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگران و کنشگران غیر دولتی، می‌توانند تأثیر مهم و به سزایی در دادخواهی‌های زیست‌محیطی

قضات به هنگام صدور احکام جبرانی به طور معمول ابتدائاً به مباحث مسؤلیت مدنی توجه دارند که به عنوان قاعده عامی برای هر نوع جبران خسارتی به کار برده می‌شود و در خسارت‌های ناشی از جرائم زیست‌محیطی نیز کاربرد دارد، اما به نظر می‌رسد که قواعد مسؤلیت مدنی سنتی در این راه کارآمد نیست و قانون مسؤلیت مدنی در پاسخگویی به منافع و حقوق عمومی ناتوان است، چراکه در آن قانون، حقوق و اموال خصوصی مورد حمایت قرار گرفته است (۱۸). بنابراین درباره جبران و پیشگیری از خسارت‌های زیست‌محیطی و ترمیم محیط زیست بایستی اصول بنیادین محیط زیست در قوانین زیست‌محیطی کشورمان پیش‌بینی شود.

بر اساس ماده یک قانون مسؤلیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی و معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» ماده ۳ همین قانون مقرر می‌دارد: «دادگاه، میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد.»

اعاده وضع به حالت سابق، در نظام حقوقی ایران در قالب کاهش آلودگی‌ها در بند «ج» ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد پذیرش واقع شده است؛ البته لازم به ذکر است که در حقوق بین‌الملل محیط زیست، در خصوص جبران خسارات وارده از سوی دولت‌ها اصول دیگری از حقوق محیط زیست همچون جلب رضایت یا معذرت‌خواهی رسمی، اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین و... مطرح است که در اعلامیه‌های مختلفی همچون استکهلم مطرح شده است، البته این اصول در خصوص دولت‌ها در خسارت‌های زیست‌محیطی فرامرزی مطرح می‌شود. در خصوص اصل جبران خسارت زیست‌محیطی، در قوانین

داشته باشند. خصیصه‌هایی که این دسته از کنشگران دارند باعث شده تا حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف به رسمیت شناخته شود. این نهاد جامعی به علت وابسته‌نبودن به دولت و غیر انتفاعی بودن و... می‌تواند به عنوان بی‌طرف‌ترین کنشگر در تحقق‌بخشیدن به عدالت ترمیمی زیست‌محیطی نقش مهمی را ایفا نماید.

## ۵. بحث

در این قسمت راهکارهای عدالت ترمیمی در بستر جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی مورد بحث قرار می‌گیرد. جبران خسارات زیست‌محیطی که مهم‌ترین نمود ترمیم محیط زیست به شمار می‌رود، در حال حاضر به شیوه‌هایی مدرن رو به پیشرفت است، به گونه‌ای که کشورهای پیش‌تاز در این امر، دستورالعمل‌هایی را در جهت سازمان‌دهی طریقه‌های جبران خسارات زیست‌محیطی صادر نموده‌اند که از اعاده وضع به حالت سابق شروع می‌شود و در جبران خسارت دولتی پایان می‌پذیرد. این اصول که در ذیل به بررسی تفصیلی آن‌ها می‌پردازیم، در حقوق بین‌الملل محیط زیست، جایگاه خود را تضمین نموده است و در نظام حقوقی ایران نیز به آن‌ها اشاره شده است.

**۵-۱. اعاده وضع به حالت سابق:** کسی که در عرصه محیط زیست دارای فعالیت خطرناک است، باید خطر جبران خسارت آن را نیز متحمل شود (۱۷). خسارات زیست‌محیطی به علت ویژگی‌ها و ماهیت ویژه‌ای که دارند، لزوم اتخاذ رویکردهای مبتنی بر مسؤلیت مبتنی بر خطر را تقویت می‌نماید. خسارات زیست‌محیطی غالباً غیر قابل جبران، دیرپا و از لحاظ بار اثبات مشکل هستند، فلذا در ماده ۴ منشور محیط زیست فرانسه «هر شخصی باید در چارچوب مقرر در قانون نسبت به جبران خساراتی که بر محیط زیست وارد می‌نماید، اقدام نماید.»

زیست‌محیطی ایران گاهی به صراحت جبران خسارت این جرائم علیرغم وجود قاعده عام جبران خسارت در قانون مسؤولیت مدنی، پیش‌بینی شده است، مثلاً در قانون مدیریت پسماندها ماده ۱۹ مقرر شده است: «در تمام جرائم ارتكابی مذکور، مرجع قضایی، مرتکبین را علاوه بر پرداخت جریمه به نفع صندوق دولت، به پرداخت خسارت اشخاص و یا جبران خسارت وارده، بنا به درخواست دستگاه مسؤول، محکوم خواهد کرد». لازم به ذکر است که به موجب ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است، فلذا نظر به اینکه یکی از مهم‌ترین تشریفات دادرسی مدنی، تقدیم دادخواست است، بنابراین دادگاه زمانی مبادرت به صدور حکم مبنی بر جبران ضرر و زیان ناشی از جرائم موضوع قانون مدیریت پسماندها می‌نماید که متضرر از جرائم مذکور با تقدیم دادخواست از دادگاه، صدور حکم محکومیت مجرم را به پرداخت‌های زیان وارده درخواست نماید. به نظر می‌رسد این مقرره اختصاصی به جرم فوق‌الذکر ندارد و در تمام جرائم زیست‌محیطی حکم فرماست.

ترمیم محیط زیست و اعاده وضع به حالت سابق از رهگذر خدمات عمومی رایگان به عنوان یکی از کیفرهای جایگزین حبس، امری امکان‌پذیر است. این مجازات که نشان از تطبیفی و ترمیمی‌شدن حقوق کیفری دارد (۱۹)، در رویه قضایی نیز در خصوص جرائم زیست‌محیطی صادر شده‌اند. بر اساس ماده ۲ آیین‌نامه اجرای خدمات عمومی رایگان مصوب ۱۳۹۳، حفاظت و نگهداری از فضاهای سبز و بوستان‌های شهری، باغبانی در اماکن مزبور، جنگل‌داری و مرتع‌داری، از جمله درخت‌کاری و باغبانی در زمره انواع خدمات عمومی رایگان قرار گرفته‌اند. بر اساس ماده ۴ آیین‌نامه، سازمان حفاظت محیط زیست در کنار شهرداری‌ها می‌تواند نقش مهمی را در راستای جبران خسارت از محیط زیست ایفا نماید.

اندیشه جبران آثار ناشی از جرم توسط کیفر، تفکری است که بر اساس آن، کسانی که مرتکب جرمی می‌شوند، باید اقدامی برای جبران اشتباهی که مرتکب شده‌اند، به عمل آورند و با انجام‌دادن چنین اقدامی، اقرار به اشتباه‌بودن اقدام خود کنند. جبران اشتباه می‌تواند به شکل پرداخت غرامت به زیان‌دیده از جرم یا انجام کار دیگری در کمک به او باشد. اگر فرد زیان‌دیده یا متضرر قابل شناسایی نبود، جبران خسارت را می‌توان به وسیله انجام خدمات عام‌المنفعه در حق جامعه انجام داد (۲۰). از آنجایی که خود محیط زیست به عنوان بزه‌دیده‌ای خاموش تلقی می‌شود، از این رو در آرای قضات و رویه قضایی فعلی نیز در بحث جایگزین‌های حبس یا موارد دیگر، مجازات‌هایی ترمیمی به چشم می‌خورد که این موارد می‌توانند جنبه ترمیم و جبران خسارت از محیط زیست داشته باشند. به عنوان مثال به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۲۴۹۲ مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۰، قاضی صادرکننده حکم برای مجرمانی که ۶ قطعه کبک را به صورت غیر مجاز شکار کرده بودند، حبس آنان را به: ۱- نگهداری، تیمار و درمان پرندگان و حیوانات وحشی که به اداره محیط زیست تحویل داده می‌شود، به میزان دویست و هفتاد ساعت با لحاظ بند «پ» ماده ۸۳ و گزارش آن به واحد اجرای احکام کیفری؛ ۲- مطالعه کتاب زیست‌محیطی با تعیین اداره محیط زیست و خلاصه‌نویسی از آن و ارائه خلاصه مزبور به واحد اجرای احکام کیفری، جایگزین نموده است.

به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۲۷۰۲ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۵، قاضی صادرکننده حکم، مجازات مرتکب تصرف عدوانی را به تعلیق مراقبتی مجازات به شرح ذیل محکوم نموده است: «حبس مقرر به مدت یک سال تعلیق مراقبتی ۱- قرق‌بانی در اجرای طرح احیای دریاچه ارومیه؛ ۲- واکاری محدوده بوته‌کاری حاشیه دریاچه به منظور طرح احیای دریاچه ارومیه با نظارت اداره منابع طبیعی و گزارش آن به واحد اجرای احکام کیفری.»

یا به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۲۲۵۵ مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۹، قاضی صادرکننده شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان سلماس، مجازات حبس مرتکب را با لحاظ و توجه به رضایت مرتکب برای انجام خدمات عمومی رایگان، نوع جرم ارتكابی، ملاحظه صلاحیت علمی و اخلاقی فرد و در نهایت میزان اثربخشی مجازات جایگزین به: ۱- ایجاد کمربند حفاظتی/ حفر کانال، فنس‌کشی، نصب پنج مارک/ حد فاصل بین اراضی اشخاص با منابع ملی شده در مناطق باارزش به منظور جلوگیری از تصرفات غیر قانونی اشخاص در عرصه‌های منابع طبیعی به عنوان انجام خدمات عمومی رایگان به میزان ۳۰۰ ساعت با نظارت اداره منابع طبیعی و آبخیزداری به عنوان نهاد پذیرنده و گزارش آن به واحد اجرای احکام کیفری؛ ۲- تهیه تیزر با موضوع اهمیت منابع طبیعی و پخش تیزر مربوطه در تلویزیون شهری شهرداری سلماس در راستای اطلاع‌رسانی تبلیغ اهمیت حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگ‌سازی عمومی به میزان یک ساعت در اجرای ماده ۸۳ ناظر بر ماده ۴۳ و گزارش به قاضی اجرای احکام کیفری، جایگزین نموده است.

**۵-۲. اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز:** این اصل نخستین‌بار توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، به منظور بازداشتن مقامات عمومی ملی از اعطای سوبسید به شرکت‌های خصوصی برای تأمین هزینه‌های کنترل آلودگی ناشی از فعالیتشان، اعلام شد. آلوده‌ساز کسی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به محیط زیست خسارت وارد می‌کند. در بسیاری از نظام‌های حقوقی در صورتی که اعاده وضع به حالت سابق و احیا امکان‌پذیر باشد، دادگاه حکم به احیا می‌دهد. برای مثال، دادگاه عالی کنیا در زمانی که دریافت، خوانده، پسماندهایی را در اموال همسایه‌اش دفع کرده، دستور داد تا متخلف، پسماندها را پاک نماید. در اعاده وضع به حالت سابق یا همان احیا، بایستی به ظرفیت فنی احیا توجه نمود و احیا ناظر به آینده است. این حکم نتایج مفیدتری برای محیط

زیست دارد، اما اگر امکان‌پذیر نباشد، به حکم غرامت تبدیل می‌شود و این اجازه را ماده ۳ قانون مسؤولیت مدنی به قاضی داده است. در قضایای زیست‌محیطی نیز دادگاه بایستی در صورتی که برطرف کردن خسارت امکان‌پذیر است، حکم به اعاده وضع به حالت سابق دهد، چراکه در این صورت کمترین زحمت برای بزه‌کار ایجاد شده و محیط زیست نیز ترمیم می‌شود، البته این روش یک اصل بین‌المللی است که در حقوق بین‌الملل محیط زیست به رسمیت شناخته شده است و در خصوص دولت‌ها نیز جنبه ترمیمی پیدا می‌کند؛ بدین معنا که اگر دولتی به دولت دیگر زیان وارد کند، مثلاً بحث ریزگردها، بایستی از طریق اعاده به وضع سابق، خسارات وارده را جبران نماید و اگر این روش میسر نشد، از روش‌های دیگر برای جبران خسارت، می‌توان استفاده نمود. این روش در طرح مسؤولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ نیز مطرح شده است. جبران خسارت و ترمیم، از یکسو دولت مسؤول را از تکرار آن عمل در آینده باز می‌دارد و از سوی دیگر، دولت‌های دیگر را از انجام عمل مشابه آن در آینده منع می‌کند.

به موجب ماده ۱۸ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۶، هرگاه در نتیجه ارتکاب جرمی آلودگی ایجاد شود که خطر فوری و غیر قابل جبرانی برای محیط زیست ایجاد شود، با اخطار سازمان محیط زیست و وزارت بهداشت، مرتکب موظف است عملیات منجر به آلودگی را متوقف و فوری نسبت به رفع آلودگی از محیط و پاکسازی آثار آلودگی اقدام نماید و عدم اجرای دستور منجر به دادرسی خارج از نوبت خواهد شد و به مراجع قضایی اجازه می‌دهد تا بدون رعایت نوبت به موضوع رسیدگی کند و سریعاً نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم نماید، از جمله به موجب رأی صادره، متهم را به پاکسازی آلودگی‌های ایجادشده محکوم نماید.

اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز یک وسیله مؤثر اقتصادی است، زیرا هزینه‌هایی را برای جلوگیری از آلودگی که به عنوان مقررات کنترل‌کننده توسط مقامات عمومی بنیان نهاده شده،

برنامه پنج ساله ششم توسعه، بخش نهم، به وظایف دولت در قبال محیط زیست و منابع طبیعی، اختصاص پیدا کرده است (۲۵) که جنبه‌های ترمیم و احیا و جبران خسارات از سوی دولت، مطمح نظر قرار گرفته است که عملیاتی‌شدن آن موجب تحقق ترمیم ضررهای زیستی می‌گردد.

### ۶. نتیجه‌گیری

عدالت ترمیمی در خصوص ضررهای زیستی و جرائم زیست‌محیطی از اهمیت فراوانی برخوردار است، چراکه رویکردهای ترمیم و احیا در خصوص محیط زیست، سیستم عدالت کیفری را به سمت و سوی عدالت ترمیمی سوق داده است که باعث تحقق پیشگیری از ضررهای زیستی در آینده و ترمیم محیط زیست می‌شود. در همین راستا، نظام حقوقی ایران در قانون آیین دادرسی کیفری در قالب نهادهای مختلفی همچون میانجی‌گری یا قراردادهای ترمیمی در جهت تحقق این مهم، گام برداشته است.

مهم‌ترین نمود کاربرد عدالت ترمیمی در جرائم زیست‌محیطی بیشتر در قالب جبران خسارت خود را نشان می‌دهد. جبران خسارات زیست‌محیطی با توجه به اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست در وهله اول با اعاده وضع به حالت سابق امکان‌پذیر است که مهم‌ترین راهکار در دسترس است، اما متأسفانه در برخی از جرائم زیست‌محیطی این امر امکان‌پذیر نیست. از این رو پرداخت توسط آلوده‌ساز قابل طرح است. نکته قابل توجه در اینجا است که گاهی اوقات نیز بزه‌کار امکان جبران خسارت را ندارد، در اینجا است که دولت به عنوان ترمیم‌گر زیست محیطی باید به جبران خسارات بزه‌دیدگان زیست‌محیطی و احیای مجدد بزه‌دیده اصلی که همانا محیط زیست است، از طریق صندوق محیط زیست اقدام نماید، اما از آنجایی که بیشتر بزه‌کاران زیست‌محیطی دولتی هستند، باید از طریق وضع قوانین مستحکم و دستورالعمل‌های اجرایی درخور توجه، در جهت توسعه صندوق ملی محیط

تخصیص داده است (۲۱). این اصل بر این پایه استوار شده که آلاینده بایستی هزینه‌های پیشگیری و نظارت بر آلودگی را برای اطمینان از اینکه محیط زیست در موقعیت مناسبی است، متحمل شود (۲۲). این اصل در قانون اساسی ایران و یا سایر قوانین مطرح نشده است، اما از قاعده فقهی «من له الغم فعليه الغم» قابل استنباط است، چراکه این قاعده یادآور آن است که هر کس منفعتی ببرد، باید زیان وارده را متحمل شود. البته ناگفته نماند که در ایران طبق قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۶، تحت شرایطی مرجع قضایی ضمن رسیدگی خارج از نوبت، علاوه بر حکم به پرداخت جریمه، آلاینده را مکلف به رفع آلودگی و پاکسازی می‌نماید (توجه به اصل پرداخت آلوده‌ساز) و همچنین ماده ۲۱ قانون مدیریت پسماندها، از جمله موارد استفاده از درآمد نقدی حاصل از جرائم مندرج در این قانون را رفع آلودگی ناشی از پسماندها دانسته است.

در پایان باید به این نکته اشاره کنیم که با استناد به بند ۱۳ اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان، در صورتی که آلوده‌کننده خود توان پرداخت و جبران خسارت نداشته باشد یا مرتکب، شناسایی نشود، دولت باید از صندوق ملی زیست‌محیطی که ایجاد می‌کند آن را جبران کند. در نظام حقوقی فرانسه نیز این صندوق برای حمایت از بزه‌دیدگان زیست‌محیطی حتی در تروریسم زیست‌محیطی مورد پیش‌بینی واقع شده است (۸).

با توجه به اهمیت مقوله پیشگیری از ضررهای زیستی و تضمین حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از مهم‌ترین حق‌های بشری (۲۳) و جهت کنترل خشونت‌های زیست‌محیطی که از دغدغه‌های زیستی نظام سبز کیفری است (۲۴)، صندوق ملی محیط زیست در ایران، نخستین بار در بند «ب» ماده ۶۸ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۸۳، مورد تأیید قرار گرفت. این صندوق در برنامه پنجم توسعه نیز مطرح شد و نهایتاً در قانون

مسعود قاسمی: راهنمایی و نظارت.  
یزدان نصرتی: نظارت و مشاوره در نگارش مقاله.

#### ۹. تضاد منافع

این نوشتار، فاقد هرگونه تضاد منافع است.

زیست گام برداشت. مشکل اصلی، بیشتر خود را در جایی نشان می‌دهد که جرائم زیست‌محیطی سازمان‌یافته و فراملی محسوب شود و قلمرو اثرگذاری مخرب این جرائم را در سطح فراملی منعکس نماید؛ همین امر نیز وجود یک صندوق بین‌المللی را برای جبران خسارات زیست‌محیطی مطرح می‌نماید که علیرغم وجود آن در اسناد بین‌المللی جنبه‌ای عملی به خود نگرفته است.

در سطح قوانین ملی نیز، جبران خسارات زیست‌محیطی در قوانین مختلف مورد توجه بوده است، اما پراکندگی قوانین زیست‌محیطی و عدم تصریح به اصول جبران خسارت به صورت یکدست و نبود دستورالعمل‌های اجرایی برای سازمان‌دهی آن‌ها، جبران خسارات زیست‌محیطی را با چالش‌هایی مواجه نموده است که مهم‌ترین این چالش‌ها، مقیدبودن این دسته از جرائم بر نظریه تقصیر در جهت جبران خسارت از سوی بزه‌کار است، در حالی که مقیدبودن به اصول بنیادین حقوق محیط زیست در جهت ترمیم و احیای محیط زیست ما را به سمت پذیرش مسؤولیت محض سوق می‌دهد، اما شرط اساسی تحقق این مهم، شناسایی صریح این اصول در منشوری مستقل و توجه به مسؤولیت زیست‌محیطی به جای مسؤولیت سنتی مدنی است که در جرائم زیست‌محیطی، کارساز به نظر نمی‌رسد.

#### ۷. تقدیر و تشکر

نویسندگان مراتب قدردانی خود را از تمامی تلاشگران حوزه حقوق محیط زیست و اندیشمندان مجله اخلاق زیستی، اعلام می‌دارند.

#### ۸. سهم نویسندگان

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری است که سهم نویسندگان در آن عبارت است از:  
امیر فلک‌الدین: نگارش مقاله.

## References

1. Prieur M. La mise en oeuvre nationale du droit international de l'environnement dans les pays francophones. Limoges: Presses Universitaires de Limoges; 2003.
2. Hutten N. Les nouveaux fondements constitutionnels du droit de l'environnement, Les apports de la Charte de l'environnement a l'ordre juridique interne, Thèse en Droit de l'environnement. Paris: Université de Paris 1 Panthéon-Sorbonne, et de Paris II Panthéon-Assas; 2002-03.
3. Catherine R. L'essentiel du Droit de l'environnement. Limoges: Gualino Editeur; 2006.
4. Ramezani Ghavamabadi M, Simai Sarraf H. From Ownership to Sovereignty: A Comparative Study of the Environment in Islamic Law and Jurisprudence. *Quarterly Journal of Civil Law Knowledge*. 2014; 3(3): 35-60. [Persian]
5. Mirkamali A, Hajivand A. Analyzing the Prevention of Environmental Crimes in the light of the United Nations Guidelines based on the Ethical Principle of Prevention of Harm. *Bioethics Journal*. 2017; 7(26): 61-75. [Persian]
6. Abbasi M, Akrami F. From Transgenic Organisms towards Transhumanism: Necessity of Ethical Assessment and Legislation. *Bioethics Journal*. 2018; 8(30): 7-8. [Persian]
7. White R. Environmental crime and problem-solving Courts. *Crime Law and Social Change Journal*. 2013; 59(3): 267-278.
8. Hajivand A, Mirkamali A, Safari F. Government Criminal responsibility for environmental crimes in Iran, Necessities and Challenges. *Environmental Sciences*. 2018; 16(2): 65-82. [Persian]
9. Shamloo B, Ahmadi A, Khosroshahi G. Green Victimology. *Criminal Law Research Quarterly*. 2017; 6(20): 37-67. [Persian]
10. Ashuri M. Criminal Procedure. Tehran: Samt Publishing; 2019. [Persian]
11. Shiri A. Restorative Justice, in the Encyclopedia of Economic Criminal Sciences. Translated by Niazpour AH. Tehran: Mizan Publishing; 2017. [Persian]
12. Ismaili M. Preventive Justice, Crime Control in the Legal System. *Journal of Criminal Law Studies, University of Tehran*. 2017; 4(2): 159-180. [Persian]
13. Mashhadi A. French Environmental Law Foundations. Tehran: Khorsandi Publishing; 2018. [Persian]
14. Hodavand M, Mashhadi A. Principles of Administrative Law in the Light of the Judgments of the Court of Administrative Justice. Legal and Judicial Development Deputy of the Judiciary. Tehran: Khorsandi Publications; 2010. [Persian]
15. Khaleghi A. Notes on Criminal Procedure. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2020. [Persian]
16. Rajjian Asli M. Victimology: Developments in Victimology and Criminal Science. Tehran: Shahr-e Danesh Institute for Legal Studies and Research; 2011. [Persian]
17. Cane P. Are Environmental Harms Special? *Journal Environmental Law*. 2001; 3(1): 35-66.
18. Katuzian N. Legal Events. 10th ed. Tehran: Publishing Joint Stock Company; 2019. [Persian]
19. Najafi Aberandabadi AH. Softening and Restoration of Criminal Law, with Emphasis on Iranian Law, in the Proceedings of the Second Biennial Conference on Restorative Justice. Tehran: Mizan Publishing; 2016. [Persian]
20. Saffari A. Justification or reasoning for punishment in the collection of articles in criminology. 3rd ed. Tehran: Jangal Publications; 2015. [Persian]
21. Ghasemi N, Heidari F. A Study of Civil Liability due to Environmental Damages. *Law Research Quarterly*. 2011; 13(34): 135-164. [Persian]
22. Rajabi A. A Study of Special Criteria in Designing a Civil Liability System for Environmental Damages, Collection of Articles on Environmental Law. Tehran: Khorsandi Publishing; 2009. [Persian]
23. Javan A, Hajivand A. The Role of Media and Culture in Violating the Right to a Healthy Environment from the Perspective of Critical Integrative Criminology (Studying the Model of Neoliberal Societies). *International Journal of Human Rights*. 2021; 16(1): 195-216.
24. Sabooripour M, Hajivand A. Controlling of Environmental Violence from the Perspective Deterrence Theory. *Journal of Legal Research*. 2020; 19(43): 7-28.
25. Jafari A, Ahmadi A. Restitution Damages of the Environmental Crimes in International and Iranian Law

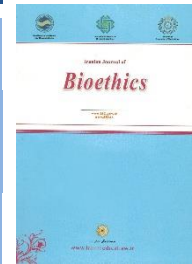
System. *Public Law Studies Quarterly*. 2019; 49(2):  
613-633. [Persian]



## Majale "Akhlaq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e23

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.34434>



### ORIGINAL RESEARCH



# An Introduction to the Application of the Teachings of Restorative Justice in the Field of Environmental Crimes; A Step Towards Changing Lenses to Prevent and Repair Biological Damage

Amir falakodin<sup>1</sup>, Masoud Ghasemi<sup>2\*</sup>, Yazdan Nosrati<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

#### Article history:

**Received:** 06 June 2021

**Accepted:** 31 October 2021

**Published online:** 23 November 2021

#### Keywords:

Restorative Justice

Principle of Prevention of Biological Damage

Environmental Crimes

Payment by the Polluter

Restoration of the Status Quo Ante

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The increasing number of environmental crimes and the failure of criminal justice to achieve punishment and deterrence through the means of punishment, has made it necessary to pay attention to the prevention and restoration of biological damage; Therefore, we are witnessing the change of lenses towards restorative justice. In this regard, damages and crimes against the environment, due to their widespread victims, have a fundamental need for restorative justice. In Iranian criminal law, several laws have been passed in the field of environmental protection that have restorative approaches, but however, due to the veridancy of restorative justice in relation to criminal justice, there are challenges in this field that the main purpose of this study is to identify the effects and requirements of this field.

**Materials and Methods:** In this research, by descriptive-analytical method and using library resources, restorative regulations on environmental crimes were analyzed.

**Ethical Considerations:** Standards related to ethics in research and fidelity in citing references have been observed.

**Findings:** In this study, it is found that in the context of various laws, there are methods of restorative justice that can be achieved in biological damage.

**Conclusion:** There are provisions in various laws regarding the compensation of losses and damages for environmental crimes. The first provision is observed in the Code of Criminal Procedure adopted in 2013, which is required for the first time in some cases to issue restrictive orders. To prevent biological damage and repair the environment, the most important strategy is to restoration of the status quo Ante in which restoration and repair play a key role, but since it is not possible in some environmental crimes, there are other strategies. The second solution is payment by the polluter and the final solution is compensation for environmental damage through the government fund, that of course, all of these principles and solutions have been challenged.

\* **Corresponding Author:** Masoud Ghasemi

**Address:** Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

**Postal Box:** 6718997551

**Email:** md.ghasemi@iauaksh.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

**Cite this article as:** Falakodin A, Ghasemi M, Nosrati Y. An Introduction to the Application of the Teachings of Restorative Justice in the Field of Environmental Crimes; A Step Towards Changing Lenses to Prevent and Repair Biological Damage. *Majale "Akhlaq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e23.